

دستور تاریخی (۴)

در این بخش، کاربرد تاریخی نقش نماها را بررسی می‌کنیم :

نشانه ندا

* در گذشته یکی از نشانه‌های ندا آوردن مصوت (ا) پس از اسم بوده است :

ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

(حافظ)

* از نشانه‌های دیگر ندا نیز «ایا» پیش از اسم بوده است :

ایا شاه محمود کشورگشای ز من گر ترسی بترس از خدای (شاهنامه)

نقش نما – انواع را

در گذشته «را» انواع گوناگون داشته است؛ از آن جمله :

۱) نشانه فک اضافه (اضافه گسسته) بوده است :

مرازور و فیروزی از داور است نه از پادشاه و نه از لشکر است = زور و فیروزی من...

(شاهنامه)

او را دلارام نام است = نام او ... (سمک عیار)

پادشاهی اوراست زبینه = پادشاهی زبینه اوست (خواجه عبدالله انصاری)

سلام او در وقت صبح مؤمنان را صبح است. (خواجه عبدالله انصاری)

* در این صورت، اگر گروه اسمی (مضاف و مضاف‌الیه) مفعول بود، آن را بدون

نشانه «را» به کار می‌بردند :

گرگ را برکند سر آن سرفراز تا نباشد دوسری و امتیاز
(مثنوی)

چو خندان شد و چهره شاداب کرد ورا نام تهمینه سهراب کرد
(شاهنامه)

(۲) به جای حرف اضافه «به»، «بر»، «برای» و «از» می آمده است :
از : اسکندر رومی را پرسیدند : دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی؟ (گلستان)
حکیمی را پرسیدند که دوست بهتری یا برادر؟ گفت برادر نیز دوست به. (گلستان)
به : همه قصه خویش موسی را بگفتند. (تاریخ بلعی)
بر : تن بی سرت را که خواهد گریست؟ (شاهنامه)
برای : یکی بفرستیم تا ما را خوردنی آورد. (نصیحة الملوک)
(۳) نشانه مالکیت :

در این کاربرد، همیشه با فعل «بودن» و مشتقات آن می آید :
ما به فلک می رویم، عزم تماشا که راست؟ (مولوی)
مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست. (سعدی)
اگر مردم را با گوهر اصل گوهر هنر نباشد، صحبت هیچ کس را به کار نیاید. (قابوس نامه)
کافری را غلامی بود صاحب گوهر. (کشف الاسرار)
* گاهی نیز حرف نشانه «را» همراه با نشانه دیگری — که امروزه از میان رفته (= مر) — می آمده است :

بی هنران مر هنرمند را نتوانند که بینند. (گلستان)
(۴) نشانه قید بوده است :
اگر شب رسی روز را باز گرد بگویش که تنگ اندر آمد نبرد (شاهنامه)
شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد. (گلستان)

نقش نما = حرف اضافه : (متّم)

* متّم — که امروز با یک حرف اضافه می آید — در گذشته گاهی دو حرف اضافه

می گرفته است :

بگیر و به گیسوی او بر بدوز به نیک اختر و فال گیتی فروز (شاهنامه)
زدش بر زمین بر به کردار شیر بدانست کاو هم نماند به زیر (شاهنامه)
* به جای حرف اضافهٔ سادهٔ «برای» در متون گذشته، گاهی حرف اضافهٔ مرکب «از برای» می آمده است.

این چه سختی و مشقت است که تو از برای دانه‌ای برخود نهاده‌ای؟
* «که» امروز فقط حرف ربط است اما در گذشته گاهی حرف اضافه نیز بوده است :
به نزدیک من صلح بهتر که جنگ (= از جنگ) (گلستان)
* به جای حروف اضافهٔ «با»، «بی» و «بر» گاهی «ابا»، «ابی» و «آبر» می آمده است.
جوانیش را خوی بد یار بود ابا بد همیشه به پیکار بود (شاهنامه)
ابر کین آن شاهزاده سوار بکشت از سواران دشمن، هزار (شاهنامه)

حذف

حذف تمام یا بخشی از جمله، نمونه‌های متعدّد و متنوّع دارد؛ از آن جمله :
* حذف یک جمله - که بخشی از یک جملهٔ مرکب است :
بگو که اگر بیایی و مسلمان شوی | ——— | و اگر نه، که سپاهی بفرستم سوی شما
که طاقت ایشان ندارید. (ترجمهٔ تفسیر طبری)
به خواب دید که | ——— | اگر می‌خواهی که چشم تو بهتر شود، برو رضای شیخ
میهنه بادست آور. (اسرارالتوحید)

* حذف فعل معین به قرینهٔ لفظی جملهٔ هم پایه یا ناهم پایه :
اول قصه‌ای که به من دادند، اهل کوفه رفع کرده بودند و از عامل خود شکایت
کرده. | ——— | (جوامع الحکایات)
هرگز از دور زمان تنالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده. | ——— | (گلستان)
* حذف فعل اسنادی به قرینهٔ معنوی از جمله‌هایی که مسند آنها صفت برتر است :

از گرسنگی مردن، به که به نان فرومایگان سیر شدن. (قابوس نامه)

* حذف فعل اسنادی از هر دو جمله هسته و وابسته به قرینه معنوی :

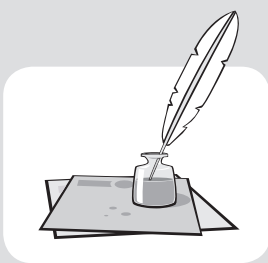
نه هر که به قامت مهتر | ————— | به قیمت بهتر | ————— | . (گلستان)

* حذف شناسه

چنان که از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت و ترشیح مخصوص

گشت. [= گشتم] (کلیله و دمنه)

بیر فرتوت را از میان کار بیرون آوردند و زمام کار بدو سپرد. [= سپردند] (کلیله و دمنه)



بیاموزیم

به جمله های زیر توجه کنید:

خورشید گرفت.

گرفتم که شمار است می گوید.

رستم پس از ماجرای سیاوش، انتقام سختی از تورانیان گرفت.

فعل «گرفت» در هر یک از جمله های بالا، معنا و کاربرد خاصی دارد که با دیگری

کاملاً متفاوت است. باید دانست که کلمه «گرفت» در هر یک از کاربردهایش، فعل

دیگری است و نباید آن را همان فعل پیشین به شمار آورد.

فعل‌های دیگری از قبیل زد، کشید، برد نیز در کاربردهای متفاوت تغییر معنا می‌دهند. برای هر یک از آنها طبق نمونه‌های زیر، مثال بیاورید:

برای من مثالی زد که قبول آن مشکل بود.

حرفی بزنید که پشیمانی بار نیاورد.

گویا به هر دری زده بود و تا به مقصود نرسید، دست برنداشت.

برای رسیدن به مقصود، خود را به آب و آتش می زد.

توپ را با شدت به تیر دروازه زد.

تصویرهای بازیکنان را دور تا دور میدان زده بودند.

خودآزمایی

۱) با توجه به آنچه خوانده‌اید، ویژگی‌های دستوری متن زیر را بنویسید.

جعفر بن ابی طالب به سخن درآمد و گفت: «ای پادشاه، بدان که ما از قومی از اهل جاهلیت بودیم و بتان را می‌پرستیدیم و مردار همی خوردیم تا خدای بر ما رحمت کرد و از میان قوم، کسی را برانگیخت و او را به رسالت به ما فرستاد. ما را به توحید و عبادت خداوند فرمود و از پرستیدن بتان ما را منع کرد و احکام شریعت ما را می‌آموخت. آن‌گاه از میان قوم، ما تصدیق‌وی نمودیم و متابعت‌وی می‌کردیم و به دین‌وی درآمدیم و ترک بت پرستیدن بکردیم.»
(سیرت رسول الله. رفیع الدین اسحاق همدانی)

۲) انواع «نقش نما» را در جمله‌های زیر پیدا کنید و معانی «را» را بنویسید :

مرا دیگر روز نوبت بود. به دیوان آمدم. استادم به باغ رفت و بوالحسن دلشاد را فرمود تا آنجا آمد و بونصر و تنی چند دیگر. و نماز شام را، باز آمد.

یافتم امیر را آنجا فرود آمده و اعیان همی آمدند. گمان افتاد که مگر اینجا ثبات خواهد کرد و لشکر را ضبط کرد. و آن را می‌ماندند تا کسانی از اعیان که رسیدنی‌اند، در رسند و آفتاب زرد را، امیر به آب روان رسید. دیگران در آمدند و اسب و سلاح بستند و مردان را دل بشکست. گفتند: «زندگانی خداوند دراز باد، بیش ایستادن را روی نیست.» و این حاجب را از غم، زهره بترقید.

(تاریخ بیهقی)

۳) فرض کنید که می‌خواهید به جای شناسنامه گم شده خود المثنی بگیرید. یک استشهادنامه محلی تهیه کنید.

۴) با فعل «پختن» جمله‌هایی بسازید که هربار معنای فعل در آن جمله‌ها تغییر کند.

ویرایش

خطاهای رایج زبانی

تاکنون مطالبی را دربارهٔ درست‌نویسی، ویرایش فارسی‌نویسی و آشنایی با زبان معیار با شما در میان گذاشته‌ایم. اکنون می‌خواهیم ضمن یادآوری برخی از مطالبی که آموخته‌اید، با بیان نکاتی تازه، شما را با شیوه‌های درست نگارش فارسی بیشتر آشنا کنیم.

۱) خطاهای مربوط به کاربرد فعل

□ رودخانه به سرعت می‌رود و مسیر دائمی‌اش را طی خواهد کرد.*

رودخانه به سرعت می‌رود و مسیر دائمی‌اش را طی می‌کند.

در نمونهٔ اول، زمان دو فعل با هم متناسب نیستند.

□ در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را گشودند، خلیفه را برکنار و پسرش را به جای او

نشاندهند.

در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را گشودند، خلیفه را برکنار کردند و پسرش را به جای

او نشاندهند.

در نمونهٔ اول، فعل بی‌قرینه حذف شده است.

فعالیّت ۱

جملهٔ زیر را ویرایش کنید.

«این مسئله را مطرح و مورد بررسی قرار گرفت».

* توجه: در مثال‌ها، جمله‌هایی که با مرّع مشخص شده‌اند نادرست و جمله‌های دیگر درست هستند.

□ یکی از دلایل علاقه من به موسیقی کلاسیک این است که، شما با شنیدن آن، احساس راحتی می کنید.

یکی از دلایل علاقه من به موسیقی کلاسیک این است که، با شنیدن آن احساس راحتی می کنم.

گاهی نهاد فعل به طور نابه جا تغییر داده می شود و، به تبع آن، شخص فعل نیز تغییر می کند.

فعّالیت ۲

جمله بالا را به گونه ای دیگر ویرایش کنید.

□ چنان که گفته آمد اهل عرفان را طریقتی دیگر است.

چنان که گفته شد، اهل عرفان طریقه ای دیگر دارند.

کاربرد افعال به شیوه دستور تاریخی جایز نیست. در درس های گذشته با دستور تاریخی و کاربرد آن آشنا شدید.

۲) خطاهای مربوط به کاربرد حروف اضافه

□ به بخش بعدی ملاحظه بفرمایید.

بخش بعدی را ملاحظه بفرمایید.

فعّالیت ۳

فکر کنید و دلیل این خطا را بیان کنید.

□ دیدگاه او از دیدگاه روان شناسان متفاوت است.

دیدگاه او با دیدگاه روان شناسان متفاوت است.

چنان که خوانده اید، برخی از فعل ها، مسندها، متمم ها یا اسم ها و صفت ها، حرف

اضافه خاص خود را می طلبند. پس «متفاوت از» نادرست است و باید گفت: «متفاوت با».

هر حرف اضافه، معنی تازه ای به یکی از این ارکان می بخشد؛ مثلاً: نگرستن به ... به معنی

«نگاه کردن به» است و «نگریستن در ...» به معنی «تأمل و تعمق در ...» است.


فعالیّت ۴

جمله زیر را ویرایش کنید.
ادامه و تأکید بر انجام چنین تمرین‌هایی، باعث ورزیدگی در نگارش می‌گردد.

۳) تعبیرهای نامناسب

□ خیلی وقت‌ها دستورالعمل‌های خشک در نگارش به درد نمی‌خورند.
در بسیاری موارد، دستورالعمل‌های خشک در نگارش کاربرد ندارند.
«خیلی وقت‌ها» و «به درد نمی‌خورد» و تعبیری نظیر اینها، گفتاری هستند و در نوشته‌ها سعی کنیم از کاربرد آنها پرهیزیم.

۴) ابهام و کژتابی

مستعمره خودمختار متعلق به سنگاپور (۱)  مستعمره خودمختار سنگاپور (۲)
خودِ سنگاپور که مستعمره‌ای خودمختار است.
جمله بالا به دلیل آنکه چند معنی از آن استنباط می‌شود، ابهام دارد. ابهام نتیجه نشان دادن اجزای جمله در جای نامناسب، تابع اضافات و مشخص نبودن مرجع ضمیر است.

فعالیّت ۵

جمله زیر را ویرایش کنید.
او با برادر همسایه‌اش احمد مسافرت کرد.

۵) جملات دیریاب

□ موضوع ساده‌ای که ممکن است در هر زمانی نگران‌کننده نباشد، وقتی سطح انرژی

بدن کاهش می‌یابد، می‌تواند به راحتی شما را عصبانی کند و از کوره به‌در ببرد. موضوع ساده‌ای که چه‌بسا در مواقع عادی نگران‌کننده نیست، با کاهش میزان انرژی بدن، ممکن است به آسانی باعث عصبانیت شود.

جمله بلند نخست را با تغییراتی چون جابه‌جایی ارکان آن، حذف حشو و زوائد، کوتاه کردن تعبیرات، شکستن جمله‌ها و تبدیل آنها به جملات کوتاه‌تر، بهتر می‌توان دریافت.

۶) درازنویسی

□ در بیشتر موارد، اگر از حسب به حد کفایت استفاده نشود یا بیش از حد مورد لزوم از حسب استفاده به عمل آید، به صافی و شفافیت کتاب آسیب وارد می‌آید. اگر از حسب کمتر یا بیشتر از حد معمول استفاده شود، به صافی و شفافیت کتاب آسیب می‌رسد.

فعّالیت ۶

جمله بالا را به گونه‌ای دیگر ویرایش کنید.

۷) تکرار

□ قیمت اجناس و کالاهای اساسی قیمت‌گذاری شده از سوی دولت، در شهرهای مختلف به نسبت‌های مختلف کاهش قیمت داشته است.

قیمت کالاهای اساسی که دولت آنها را نرخ‌گذاری کرده، در شهرها به نسبت‌های گوناگون کاهش یافته است.

در جمله بالا تکرار کلمه‌های «قیمت» و «مختلف» جمله را دیرپاب و طولانی کرده است.

۸) تأثیر ترجمه

□ این طرح از دو مشکل اساسی رنج می‌برد.

این طرح دچار دو مشکل اساسی است.

ترجمه اگرچه باعث غنی شدن دایره واژگان، شیوه‌های بیان تازه و به کار افتادن قوه خلاقیت می‌شود، آثاری منفی چون گرت‌برداری را در پی دارد. بنابراین، ضمن شناخت

گرفته برداری‌های نادرست، باید از کاربرد آنها بپرهیزیم؛ مثلاً: اصطلاحاتی نظیر روی کسی حساب کردن، حتمّ گرفتن، ریسک کردن و تصویر کسی را داشتن و

واژگان بیگانه نیز در سدهٔ اخیر به فراوانی وارد زبان فارسی شده‌اند. این واژگان، به دو شکل وارد زبان می‌شوند؛ یکی از راه طبیعی و با آهنگ معتدل که در این حالت، واژهٔ بیگانه از نظر آوایی و آرایش واجی و ساخت هجایی با هنجارهای زبان وام‌گیرنده، هم‌ساز است؛ مثل: پست، تیم، تلفن، اسکناس، بانک و البته گاه به کمک همین واژه‌ها، واژگان تازه‌ای هم می‌سازند: پست‌چی، پست‌کردن، پست‌خانه و

نوع دیگر وام‌گیری همراه با تصنع و تکلف و با آهنگی غیر طبیعی و سیل‌آسا است. در این حالت، هجوم واژه‌های بیگانه تجانس زبان را مختل می‌سازد و نیز مانع از آن می‌شود که اهل زبان برابری‌های مناسبی برای آنها بیابند. واژگان بیگانه در این حالت به زبان لطمه وارد می‌کند. وقتی ما برای بیان مفاهیم، واژه‌های بومی متعدّد و مناسبی داریم، لزومی ندارد از معادل بیگانه آن استفاده کنیم؛ مثلاً: به جای کاراکتر، پرستیز، پرسنل، ساینز، موبایل و ... باید گفت: شخصیت، حیثیت، کارکنان، اندازه، تلفن همراه و

فَعَالِیَّت ۷

برای هریک از کلمات بیگانهٔ زیر، معادل‌هایی مناسب پیشنهاد دهید.
کاناپه، فریم، تیراز، تیترا، ادیت، سوبسید، نگاتیو

۹) نوآوری‌های کاذب

اگر نوآوری بجا و مناسب باشد، ستوده است و در غیر این صورت، زبان را نابود می‌کند. از جمله نوآوری‌های کاذب که در آثار قلمی خام‌دستان دیده می‌شود، سره‌نویسی، کهنه‌گرایی، عربی‌مآبی، کاربرد بی‌دلیل واژه‌های فرنگی (که بسیاری از آنها معادل فارسی هم دارند) تکلف‌های علمی و تفتّن‌های شاعرانه است. به این نمونه‌ها توجّه کنید:

□ دربارهٔ شیوهٔ اضافت پس از «ه» یا «ی» نافرآگفته، یا «ی» بیان حرکت، بر پایهٔ پریسمان‌های نگریک، زبانیک اکنون به نیرو شکل «نامه» را توصیه می‌کنیم.

درباره شیوه افزودن «ی» پس از «ه» بیان حرکت، بر اساس تحقیقات زبانی، اکنون شکل «نامه» را توصیه می‌کنیم.

در جمله اول، نویسنده به جای واژه‌های معمول و جاافتاده فارسی چون «ه» غیرملفوظ، تحقیقات زبانی و قاطعیت، از واژه‌های نامأنوس نافراگفته، پریشان‌نگریک، زبانیک و به نیرو استفاده کرده است. به این کار «سره‌نویسی» می‌گویند. سره‌نویسی نوعی بیماری زبانی و دهن‌کجی به واقعیت و پیشینه و سنت زبانی است.

□ افرادی من حیث لایشعر، اسقاط وظیفه می‌نمایند و جمهور ناس باید مقابله شدید نمایند. افرادی نادانسته، در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند که در این صورت، تمامی مردم باید با آنان به تندی برخورد کنند.

در جمله نخست، خلاف نمونه قبلی از کلمات عربی و نامأنوس چون من حیث لایشعر، اسقاط، جمهور ناس، مقابله شدید استفاده شده است. به کارگیری عناصر متروک و زبان باستانی نیز نوعی بیماری است و ما را از زبان معیار دور می‌سازد.

□ روند فزاینده و پرشتاب تورم اقتصادی، فرایند کنترل رشد ناهمگون و یک وجهی را در پهنه کشور ناممکن کرده است.

کنترل تورم اقتصادی به دلیل رشد روزافزون و سریع آن، در سراسر کشور ناممکن شده است.

در جمله نخست، به دلیل وجود واژه‌هایی چون روند، فزاینده، فرایند، ناهمگون یک وجهی و پهنه دریافت مطلب دشوار شده است. در برخی نوشته‌های علمی، کاربرد اصطلاحات خاص برای بیان دقیق مفاهیم، ضرورت دارد اما در نوشته‌هایی که مخاطبان آنها تمامی مردم هستند، بهتر است از تعابیر روشن و قابل فهم برای همه، بهره بگیریم.

فَعَالِیَّت ۸

درباره علت نادرستی جملات زیر گفت و گو کنید.

۱۰. خطاهای کاربردی دیگر

□ فکر مغشوش خود را به آنچه که می‌بیند، می‌سپارد. (کاربرد نابجای که)

- فکر مغشوش خود را به آنچه می بیند، می سپارد.
- فرار از جناح راست به وسیله بازیکن خطّ حمله.
- فرار بازیکن خطّ حمله از جناح راست.
- هوا ابری هست.
- هوا ابری است.
- اگر چه در این کار زمانی متصوّر نیست اما بهتر است در آن بیشتر تأمل کنی.
- هرچند برای این کار زمانی متصوّر نیست، بهتر است در آن بیشتر تأمل کنی.
- صدای مرا دارید؟
- صدای مرا می شنوید؟
- هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان شامل این عفو شده اند.
- هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان مشمول این عفو شده اند.
- عامیانه نویسی یکی از بیماری هایی است که مردم مبتلا به آن هستند.
- عامیانه نویسی یکی از بیماری هایی است که مردم به آن مبتلا هستند.
- او واقعاً مانند یک غوّاص عمل می کند.
- او واقعاً مانند غوّاص عمل می کند.
- ما از این کار خشنود می باشیم.
- ما از این کار خشنود هستیم.
- انتهای برنامه را مزین می کنیم به فرازی از بزرگان دین.
- برنامه را با سخنی از بزرگان دین ختم می کنیم.
- (فراز به معنی اوج درست است)
- موادّ زاید از طیف وسیعی برخوردارند.
- موادّ زاید انواع بسیار دارند.
- ما حرف اوّل را در کشتی جهانی می زنیم.
- ما در کشتی جهان، مقام اوّل را داریم.

یادآوری

نکات نگارشی و ویرایشی زبان فارسی سال اول و دوم را مرور می‌کنیم تا بتوانیم نوشته‌های خود را بهتر اصلاح و ویرایش کنیم.

الف) ویرایش فنی

- ۱) کاربرد درست همزه : سائِل ← سائل
- ۲) جدا نوشتن کلمات مرکبی که سرهم نوشتن آنها موجب بدخوانی می‌شود : حاصلضرب ← حاصل ضرب
- ۳) کامل نوشتن عبارت‌های دعایی یا نوشتن آنها با نشانه اختصاری : پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم یا پیامبر (ص)
- ۴) استفاده درست از «ی» میانجی : سبوی آب ← سبویِ آب
- ۵) تمایز میان «ه» و «و» بیان حرکت و حرف‌های «ه» و «و» : رادی ← رادیو / خان ← خانه
- ۶) توجه به املای کلمات هم‌آوا و کاربرد آنها : اساس و اثاث – خوار و خار
- ۷) کاربرد «ی» میانجی بزرگ به جای «ه» هنگامی که مضاف به مصوت ختم می‌شود. مدرسه بزرگ ← مدرسه‌ی بزرگ

۸) رعایت علائم نگارشی در زبان فارسی : نقطه (.) – ویرگول (،) – دو نقطه (:) – علامت سؤال (?) – علامت تعجب (!) – گیومه («» «») – نقطه ویرگول (;) – خط فاصله (–) – سه نقطه (...) – قلاب ([]) – کمانک (()) – ممیز (/) – ستاره (*) – پیکان (←) – ایضاً (=) – آکالاد ({ }) – تساوی (=). هریک از این علائم در جمله کاربرد خاصی دارند.

۹) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «اء» : انشاء ← انشا / صفاء ← صفا
ب) ویرایش زبانی

۱) پرهیز از کاربرد شکل گفتاری جز در نوشته متناسب با نوع آن : میون بیابون ←

میان بیابان

۲) پرهیز از مطابقت موصوف و صفت در فارسی : خانم مدیره محترمه ← خانم

مدیر محترم

۳) پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیرعربی: زبانا ← زبانی / تلفناً ← تلفنی

۴) پرهیز از جمع بستن جمع‌های عربی با نشانه‌های فارسی: اخلاق‌ها ← اخلاق
۵) خودداری از افزودن «تر» به صفت‌های تفضیلی عربی: اعلم‌تر ← اعلم
۶) رعایت کوتاهی جملات
۷) پرهیز از تکلف کلامی و بیان عبارت‌های فضل‌فروشانه
۸) پرهیز از کاربرد عبارت‌های زاید و بی‌نقش، تکیه کلام‌ها، تکرار فعل‌ها و ...
۹) پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت‌های دستوری کهن: از جای بشد ← عصبانی شد.

۱۰) کاربرد برابره‌های مناسب فارسی به جای کلمات غیر فارسی: علی کلّ حال ← در هر حال / سیستم ← نظام
۱۱) پرهیز از کاربرد دو کلمه پرسشی در جملات پرسشی: آیا چگونه ← چگونه
۱۲) کاربرد درست تکیه کلام «به قول معروف»: «به قول معروف خسته شدم» که «خسته شدم» قول معروف نیست.

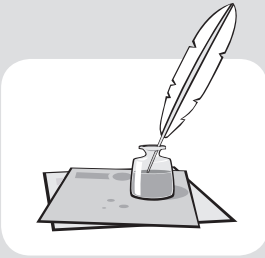
۱۳) پرهیز از کاربرد «برعلیه» و «برله» به جای علیه و له
۱۴) کاربرد نادرست «را»ی نشانه مفعول پس از فعل: کفشی که خریده بودی را پسندیدم ← کفشی را که خریده بودی، پسندیدم.

۱۵) مطابقت نهاد با فعل: هم من رفتم هم او ← هم من رفتم هم او رفت.
۱۶) پرهیز از حشو: سوابق گذشته، فینال آخر، حُسن خوبی و ← گذشته، آخر، خوبی.
۱۷) جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی جایز نیست: بازرسین ← بازرسان
گزارشات ← گزارش‌ها ← آزمایشات ← آزمایش‌ها.

۱۸) حذف درست فعل به قرینه: سارق را دستگیر و به زندان بردند ← سارق را دستگیر کردند و به زندان بردند.

۱۹) کاربرد «با» و «برای» به جای «به وسیله» و «به منظور»: به وسیله پست ← با پست

- ۲۰) به کار بردن فعل با حرف اضافه خاص آن: بردن از، باختن به، ترسیدن از
- ۲۱) پرهیز از کاربرد فعل مجهول با نهاد: گلستان توسط سعدی نوشته شد ← سعدی گلستان را نوشت.
- ۲۲) پرهیز از کاربرد «یت» با کلمات فارسی: دوئیّت ← دوگانگی
- ۲۳) کلمه «برخوردار» در جایی به کار می‌رود که نتیجه مثبت و مفید داشته باشد. این بیمار از ضعف برخوردار است ← این بیمار ضعیف است.
- ۲۴) برجسته کردن تضاد بین اجزای جمله به کمک «و» مباینه یا استبعاد: مسلمان و دروغ!
- ۲۵) پرهیز از کاربرد عباراتی که ابهام و کژتابی دارند: دو خواهر و برادر حافظ کل قرآن شدند.



بیاموزیم

به تلفظ کلمات زیر توجه کنید:

تاکسی، رادیو، کلاس، پاس

دستگاه گفتار ما فارسی زبانان چنین کلماتی را عیناً نپذیرفته و آنها را مطابق با ویژگی های
آوایی زبان فارسی تغییر داده است. یک نفر انگلیسی زبان کلمات بالا را تکسی (taxi)،
ری دیو (radio)، کلس (class)، و پس (pass) تلفظ می کند. ولی ما مصوت /ه/ را در
این کلمات به /آ/ تبدیل کرده ایم.

بنابراین اگر یک نفر فارسی زبان کلمات بالا را به تقلید از یک نفر انگلیسی زبان با
مصوت /ه/ تلفظ کند از فارسی «معیار» فاصله گرفته است. چند مثال دیگر:

فاکس، رئالیم، کلاس، فلاش، فلاکس، کامپیوتر. بررسی کنید این کلمات را غربی ها
چگونه تلفظ می کنند.

خودآزمایی

(۱) جمله‌های زیر را ویرایش کنید.

- ☐ این موضوع در جلسهٔ امروز مطرح و معایر اهداف شرکت تشخیص داده شد.
- ☐ دروازه‌بان توپ را برای مدافع کناری واگذار کرد.
- ☐ برنامه‌ای که از سمع و نظر گرامیتان گذشت را با هم نقد و بررسی می‌کنیم.
- ☐ حسن به برادرش گفت که مقاله‌اش منتشر شد.
- ☐ زندگی دانشمندان باید، ضمن آنکه به دست اهل فن نوشته شود، مورد دقت قرار گیرد.
- ☐ تیم مقابل از ده بازیکن خود مورد استفاده قرار داد و در فینال نهایی این بازی را به سود خود پایان داد.
- ☐ روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی می‌باشد که در این روش از روش تحلیل محتوا استفاده

شده است.

- ☐ می‌رفتیم که دومین گل را از حریف دریافت کنیم.
- ☐ در هفته‌های اخیر، تجارت جهانی روتق بی سابقه‌ای را تجربه می‌کند.
- ☐ این کودک از کم‌خونی قابل توجهی برخوردار است.